

نانسی هوستون

ردپای فرشته

مترجم: فریبا مجیدی

www.ketab.ir

تیما

سرشناسه: هیوستن، نانسی، ۱۹۵۳ - م. Huston, Nancy
عنوان و نام پدیدآور: رد پای فرشته/ نانسی هیوستن؛ مترجم فریبا مجیدی.
مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۴۰۶-۶
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: L'empreinte de l'ange : roman, c1998.
موضوع: داستان‌های فرانسه کانادایی -- قرن ۲۰م.
موضوع: French-Canadian fiction -- 20th century
شناسه‌ی افزوده: شناسه‌ی افزوده: مجیدی، فریبا، ۱۳۶۱ - مترجم.
رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۵ ر ۹ هـ / PQ ۳۹۱۹ / ۲ رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۵۹۹۵۲

نانسی هیوستن رد پای فرشته مترجم: فریبا مجیدی

نشر: نیماژ / دبیر تحریریه: اصغر نوری
ویراستاری: دبیریه: نیماژ/ صفحه‌آرا: یاسمین حسدري
طراح: دبیریه: نیماژ/ جلد: محمد جهانی مقدم
لیزر سرجی: ج/ چاپ و صحافی: رفاه
نوبت چاپ: ۱۳۹۷ / تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
ISBN: 978-600-3۶7-406-6

نشر
نیماژ

فروشگاه مرکزی: خیابان کریم‌خان زند، خیابان خردمند جنوبی، نبش کوچه ۱۵
کتاب‌فروشی فراموشی / تلفن: ۸۸۸۴۲۰۶۰
فروشگاه: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۵۲۱
تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵
دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای زائدارمری،
شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است
اینستاگرام: Nimajpublication
Site: www.nimaj.ir Email: nashr.nimajh@gmail.com
۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

پیش درآمد

داستانی که پیش رو داریم، در ماه ۱۹۵۷م. در پاریس آغاز می‌شود. فرانسه سخت در جوش و خروش بود. طی دوازده سال پس از پایان جنگ، با بیست و چهار دولت و هشتادونه مأموریت پیشنهادی، حق تجدیدنظر و اصلاح قانون اساسی خود را داشت. اما به نظر می‌رسد این مسائل خیلی دغدغهی مردم نبودند. طبق نظرسنجی اخیر، تنها چهل و یک درصد از گفتمان‌گوی فرانسوی‌ها به سیاست اختصاص داشت، در حالی که موضوع‌های دیگر، با چهل و هفت درصد امتیاز، بریزیت باردو^۱ بود. (در آن روزها، او از شرکت در همه‌پرسی‌ها امتناع ورزیده، و روزنامه‌ی فیگارو انتقاد خود را از او ابراز داشته بود). در کل، زندگی زیبا و مدرن بود. بی‌کاری وجود نداشت، ماشین‌ها برق انداخته و پولیش شده بودند، تلویزیون خانه‌ها را نورافشان و کارگردانان موج نوی سینمای فرانسه را آغاز کرده بودند، میزان تولد نوزادان رو به افزایش بود و پیکاسو

سقوط ایکاروس^۱، دیوارنگاره‌ای غول‌آسا را برای یونسکو آغاز نموده بود و نوید اثری بی‌انگهر را «بشریت صلح‌جویی که به آینده‌ای روشن چشم دوخته بود» می‌داد.

قطعاً، همه‌چیز مساعد نبود. این‌جا و آن‌جا، حتی در فرانسه، برخی نشانه‌ها خبر از پیشرفت‌های اندک بشریت می‌داد.

برای نمونه، چهارصد هزار جوان فرانسوی که در آلمان آموزش نظامی دیده بودند، در آن زمان در الجزایر حضور یافتند. یقیناً نه به منظور شرکت در جنگ؛ بلکه شرکت در یک روند صلح کاملاً دشوار.
یا برای نمونه...

آه! دانه‌ی من نباید و من ویرزیل شما خواهم بود. دست‌تان را به من دهید، دست‌تان را به من دهید. هر زمان نباشید، من در کنار شما خواهم ماند، حین هبوط آرام از پله‌های من، هیچ‌گاه شما را رها نخواهم کرد...